

تاریخچه طب سنتی

اردیبهشت ۱۷، ۱۳۹۶ / ۵ دیدگاه

در گذشته بجزشکی (پزشکی) پیشه ای بود که تندرستی آدمیان را نگه می داشت

به این معنی که اگر رفته بود باز می آورده، از روی علم و عمل!

ربیع ابن احمد اخوینی

کتاب هدایته المتعلمین فی الطب

طب سنتی ایران به صورت عمده سلامت محور است و نه درمان محور . طب سنتی نه حجامت است و نه گیاه درمانی بلکه به صورت عمده تکیه بر سبک زندگی سالم دارد . در واقع پایه طب سنتی پیشگیری از بیماری هاست و میخواهد مردم به یاری علم حفظ الصحة سلامت باشند . علم حفظ الصحة بر دو نوع تقسیم می شود که یک بخش از آن برای همه افراد مناسب و بخش دیگر بر اساس مزاج هر فرد تعیین میشود . بر اساس یافته ها در صورتی که افراد دستورات عمومی را رعایت کنند، ۶۰ یا ۷۰ درصد به اهداف سلامتی خود دست می یابند .

پزشک طب سنتی در هنگام معاینه از افراد می پرسد: چه میخوری؟ چگونه راه میروی؟ چگونه جذب و دفع میکنی؟ چگونه می خوابی؟ چگونه کلام می کنی؟ چگونه می بینی؟ چگونه ارتباط زناشویی برقرار میکنی؟ زیرا روش زندگی بسیار مهم است و بسیاری از بیماری ها در نتیجه سبک زندگی نادرست است!

پاول هیسن استرالیایی که در زمینه تاریخ طب پایان نامه نوشته است، می گوید: ایرانیان در ۱۰۰۰۰ سال قبل پایه گذار طب جهانی بوده اند.

آیورودا(طب هند باستان)۵۰۰۰ سال بعد از آن منشعب شد و طب یونانی هم ۷۰۰۰ سال بعد از آن مشتق شد.

طب سنتی ایرانی دو شاخه می شود:

1. نظری: شامل اموری که در طبیعت و با جان آفرینش جریان دارد که بر سلامت ما تاثیر می گذارد مثل سلامت خاک، آب، درخت، رابطه انسانها و حیوانات. زیرا بشر در مجموعه ای طبیعی با درک بالا و هوشیار زندگی می کند و بیماری ها و سلامتی نیز از رابطه بین موجودات بدست می آید. دومین بخش علم اسباب و علل و سومین هم علم دلایل و علایم است.

2. عملی: حفظ الصحة، معالجات

در شاخه نظری توجه خاصی به امور طبیعی وجود دارد یعنی ما باید به امور طبیعی در زندگی اهمیت دهیم و اینکه بدانیم چگونه از طبیعت لذت ببریم، موسیقی جهان را درک کنیم و از آن به عنوان مرهم استفاده کنیم. یکی از دلایل توسعه افسردگی بسیار زیاد در میان مردم جهان این است که بیشتر افراد اسیر تفکر مادی شده اند. اما در مقابل حکیم و طبیب، موسیقی طبیعت را در حوزه سلامتی درک میکند و سعی میکند که تعادل طبیعی را به زندگی بشر برگرداند. دقیقا به همین دلیل بود که اطبا در قدیم باید موسیقی و ادبیات را می آموختند و به نظم و زبان جهان ایمان پیدا میکردند. اما حالا فقط دانستنی های علمی منبع کافی برای طبیب شدن است و ممکن است طبیبی هم باشند که هیچ درکی از آفرینش ندارند و از طبیعت لذت نبرند. بنابراین این اطبا نمیتوانند در افراد نشاط ایجاد کنند و سلامت بخش باشند. شاید به همین دلیل است که در منابع رسمی طب مدرن در ۸۰ درصد موارد می نویسند: “سبب بیماری مشخص نیست” چون طبیعت را درک نکرده و علل را نمی توانند به هم مربوط کنند! شاید علت این است که علم پر اهمیت اسباب و علل، از طب هریسون غربی حذف شده است.

در خصوص علم دلایل و علائم هم باید گفت که همان علم سیمولوژی یا تشخیص فیزیکی است و از جمله از طریق لمس کردن و دیدن و سمع کردن و دقت کردن پزشک به تشخیص میرسد. مثل علم فراست است که از طریق چهره شناسی، نبض شناسی، علم قاروره، کف بینی، نوع انگشتان و حرکات دست و صورت و ... شخصیت واقعی انسان را درک میکند. به عنوان مثال می گویند شخصیت تو درکلام پنهان است و می گویند صحبت کن تا بفهمم کیستی! علم قاروره یا علم شناختن ادرار در گذشته ایران بسیار مرسوم بوده است.

در تاریخ آمده است که ۳۰۰ سال قبل از میلاد پیامبر اکرم (ص) بزرگترین دانشگاه جهان و بزرگترین بیمارستان دنیا تاسیس شده است و جرجس جندی شاپوری رئیس طبای جندی شاپور بود. در سال ۱۴۸ هجری قمری منصور خلیفه عباسی دچار بیماری گوارشی صعب العلاج میشود. حاکم

به جرجیس خبر می فرستند و او هم میگوید چند روز صبر کنید تا کارها را سر و سامان بدهم و بعد از آن وارد دارالخلافه می شود. خلیفه در ابتدا می گوید که باید از جرجس امتحان در حوزه علم قاروره گرفته شود! او با سر بلندی موفق می شود و تشخیص میدهد که ادرار داده شده به او مربوط به حیوان است و نه انسان و سپس خلیفه را هم درمان می کند. این شواهد تاریخی گویای تاریخچه طب غنی ایرانی است.

حال اگر در طب عملاً بفهمیم که یک فرد سالم است باید بوسیله کلیات حفظ الصحة تلاش کنیم تا سلامتی او را ادامه دهیم و این ادامه یافتن از دید شیخ الرئیس ابو علی سینا اینگونه است:

مُعْظَمُ تَدْبِيرِ حِفْظِ الصَّحَّةِ، هُوَ أَنْ يَرْتَاضَ، ثُمَّ تَدْبِيرُ الْغِذَاءِ، ثُمَّ تَدْبِيرُ النَّوْمِ.

اولین اصول در حفظ سلامتی جامعه این است که افراد فعالیت بدنی مناسب داشته باشند .

دومین قدم در حفظ سلامتی این است که تغذیه را مدیریت کنیم که بسیار پر اهمیت است .

و سومین گام در مدیریت سلامتی درست، به اندازه و به موقع خوابیدن است .

نکته مهم در این جمله کلمه تدبیر است که به معنی مدیریت، برنامه ریزی و تفکر است. همانطور که از جمله حکیم ابو علی سینا مشخص است هدف اصلی طب سنتی حفظ سلامتی است. که تعداد بیماران مراجعه کننده به پزشک کمتر شده و مردم کمتر بیمار شوند. اگر تعداد بیماری ها افزایش پیدا کند هزینه ای سرسام آور به بیماران، به نسل موجود و آینده وارد می شود. از سوی دیگر پزشکان وقت بسیار کمی دارند تا بتوانند همه افراد را درمان کنند لذا افراد باید هر یک به سلامتی خود واقف بوده و در جهت حفظ آن کوشا باشند. اما متأسفانه پیام های سلامتی موجود در جامعه و فضای مجازی سهم اندکی دارند. باید هدف به نوعی تعیین شود که این پیغام ها به جوانان و به خصوص خانم ها برسد. خانم ها در ۶ وجه متفاوت بر زندگی بشر تاثیر گذار بوده و آقایان تنها در یک وجه موثرند. این پیام ها در واقع لازم است تا روش چگونگی زندگی کردن و چگونگی نگهداشت از بدن را بهبود بخشند.

مثال این موضوع خرید ماشین توسط ما است. یک ماشین بعد از خروج از خط تولید، به همراه یک دفترچه راهنما به ما تحویل می شود و دارای اطلاعاتی در مورد روغن، تنظیم باد، وزن سرنشین، تنظیم چراغ ها و ... است و اگر کسی این مسائل را رعایت نکند دچار مشکل می شود! اما در مقابل وقتی به بدن انسان می رسیم به دفترچه راهنما اصلاً وجود ندارد یا اگر باشد به آن توجه نمیشود.

باید کودکان و جوانان آداب مربوط به حفظ سلامتی را یاد بگیرند. دقیقاً همانطور که به بچه ها یاد می دهیم در ۷ سالگی باید به مدرسه بروند باید نحوه نگهداری از بدن و سلامتی را هم به بچه ها بیاموزیم. مثلاً

خانواده ها باید بدانند که ساعت ۹-۱۰ زمان خواب شروع شده و صبح زود زمان بیداری است. این دانش که چگونه غذا بخوریم و چگونه فضولات بدن را دفع کنیم، باید در میان همه مردم اشاعه پیدا کند زیرا به دلیل عدم آگاهی عموم مردم، افرادی که می دانند و میخواهند به این اصول عمل کنند در انزوا قرار گرفته و ناراحت می شوند.

باید سعی کنیم عرف جامعه ما را که تغییر کرده به حالت اولیه برگردانیم. باید بتوانیم عرف جدیدی بسازیم تا توسط کسانی که اطلاع پیدا می کنند به نسل بعدی منتقل شود. این عرف جدید میگوید که روش زندگی سالم بسیار ساده تر ارزانتر است و اگر هموطنان ما بدانند که به این روش راحت تر می توانند زندگی کنند این روش، بدون شک توسعه سریع تری خواهد داشت.

برگرفته از سخنرانی آقای دکتر محسن ناصری

موسسه فرهنگی و هنری نوین پژوه اندیشه کوثر]

[\http://novinpajooh.com

Post Views: 92 

اشتراک این مطلب

